

شوم: در هر خط کلمه جمالت بنیم: در هر که سخن کند خدایت
شوم **رباعی** عشق آمد بر در دولت بکشاد: هر که ز این
در بر و کسب بر مباد: هم با معر را نوبت به بیع زد:
هم با مهره را مود به پسر داد: **وقال قدسیه و لوان ربکنا بخوا**
عرب از منما: و فی الکتب طسوع ما فرده اسم بقال مرتباً
از کلام علی بغیر خاصه: و الکتب اصحاب لابل و کوه و
بیمه رخ نمایان قصده: و در هر سواه لسته جهت بکند
وی را مارا رباب چهارم حفره فراموزه زبان کرد اول
از بابل اول و اسم القائل بضم و بیخ و **میکوید** اگر چه خسته
سواران قصد خاک بوسی زمینی کنند که آن شراب باجا
بافت شود و در میان ایشان مار کزیده باز هر چه
بود هر آینه زهرش خفته نتواند رسانند و چاشنی است
هلاکش نتواند چشاند **رباعی** باغ که بقصد مریض گشت
رو مدگر رحمت از شفا گشت: کما کزنده بگذرد
خاکش آن خال دهد خاصیت تراکش: و مرشاد که

که مراد شرح نام و در آن باشد که اگر جمعی از دو تنند این
برخیان شوق به او قصد زیارت خاک نهادند که درین
استندادش فرزند آن باده پاک افتاده باشد و حال
آنکه در بسک نظم آن جمع آفت رسیده بود و آن نفس هوا
نفس کرده و زهر آن نفس در بنا خسته که با این نام دم
مراقت زنده و قدم موافقت نهد هر آینه آن زهرش
زبان نداد و کزنده زبانه چسب این طائفه مار کزنده
کال نفس و هوا و زهر چسبیده کال چسبند و بنا را تریاق
اکبر است بلکه از تریاق اکبر نافع تر **رباعی** قور که حی است
تند همتش: تا به دراز سرش از خدشتان: آنرا
چسبند زهر فاق زهره خاصیت تریاق دهد چسبند
وقال قدسیه و نورم از قور و سما: علاجین مصدا
جن بر راه اسم رسم عک که او کند ای اکتب رقاہ رقیه
از پیش کزین از باب دوم اصحاب المصیبه رسانند و را
مصیبت جن از جنونا و من الله فهو مجنون و لایق **عکس**